

رابطه بین بیش درگیری والدین و رفتار غیرمولد تحصیلی فرزندان □

Academic Entitlement in the Relationship between Parental Over-involvement and Counterproductive Academic Child □

Mina Mahbod, MSc

Mahboubeh Fouladchang, PhD ✉

مینا مهبد*

دکتر محبوبه فولادچنگ*

Abstract

The aim of this study was to investigate the structural relationship between parental over-involvement and counterproductive academic behavior through academic entitlement. The participants were 451 university students from Shiraz University selected by multistage random cluster sampling method. The participants completed three measures: Parental Over-Involvement Scale/ Helicopter Parenting (LeMoyné, & Buchanan, 2011), Academic Entitlement Scale (Chowning & Campbell, 2009), and Counterproductive Student Behavior Scale (Rimkus, 2012). The results indicated that the model had a good fitness with the data. There was a direct effect of parental over-involvement on academic entitlement. Academic entitlement also had a positive direct effect on counterproductive academic behavior. The parental over-involvement had an indirect effect on counterproductive academic behavior through academic entitlement. The results showed that parental over involvement predict academic entitlement and consequently perception of entitlement determine level of counterproductive academic behavior.

Keywords: academic entitlement, counterproductive academic behavior, parental over involvement

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت رابطه ساختاری بیش درگیری والدین بر رفتار غیرمولد تحصیلی فرزندان با واسطه‌گری محق پنداری تحصیلی انجام شد. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۴۵۱ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز بودند که براساس روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و مقیاس بیش درگیری والدین لیمون و بوچانان (۲۰۱۱)، مقیاس محق پنداری تحصیلی چونینگ و کمبل (۲۰۰۹) و مقیاس رفتار غیرمولد تحصیلی ریمکوس (۲۰۱۲) را تکمیل کردند. نتایج تحلیل مسیر از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان دادند مدل پیشنهادی با داده‌های این پژوهش برازش مناسبی دارد و اثر مستقیم بیش درگیری والدین بر محق پنداری تحصیلی تایید شد. همچنین محق پنداری تحصیلی بر رفتار غیرمولد تحصیلی تأثیر مستقیم داشت. مدل نشان داد بیش درگیری والدین به واسطه محق پنداری تحصیلی بر رفتار غیرمولد تحصیلی تأثیر دارد. نتایج بیانگر آن است که بیش درگیری والدین، سطح محق پنداری تحصیلی را پیش‌بینی و بروز سوءرفتارهای تحصیلی را تعیین می‌کند.
کلید واژه ها: بیش درگیری والدین، رفتار غیرمولد تحصیلی، محق پنداری تحصیلی

□ Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, I. R. Iran
✉ Email:foolad@shirazu.ac.ir

□ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۵ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۹/۷
* دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

● مقدمه

هدف اصلی دانشگاه‌ها، آماده ساختن دانشجویان برای دنیای کار و افزایش قابلیت استخدام آنها است و امروزه ملاک جذب نیروی کار تنها به عملکرد تکلیف محور محدود نیست بلکه معیارهای چندگانه‌ای (جنبه‌های بین فردی و روانشناختی) در این خصوص در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین متغیری که وضعیت تحصیلی را به صورت چندوجهی مفهوم سازی کرده باشد (رفتار غیرمولد تحصیلی)، متخصصین را در پیش‌بینی آینده شغلی محصلین یاری خواهد نمود (شوگر و همکاران، ۲۰۱۴). از این رو در دهه اخیر محققین به مفهوم سازی وسیع تری برای بررسی وضعیت تحصیلی فراگیران گرایش پیدا کرده‌اند (لیونز، بویز و ساکت، ۲۰۰۵؛ مریاک، ۲۰۱۲؛ اشمیت، اوسوالد، فرید، ایموس و مریت، ۲۰۰۸؛ سینها، اوسوالد، ایموس و اشمیت، ۲۰۱۱؛ زلتر، ۲۰۱۱). جرقه‌های شکل‌گیری این ایده از بافت شغلی برافروخته شد، محیطی که در آن انتخاب نیروی کار نه تنها بر مبنای عملکرد تکلیف-محور بلکه بر اساس کارکرد بافتی مانند «رفتارهای شهروندی» و «رفتار غیرمولد شغلی»، پایه‌ریزی شده است (روتوندو و ساکت، ۲۰۰۲؛ ویزیوسواران و وانز، ۲۰۰۰).

رابینسون و بنت (۱۹۹۵) «رفتار غیرمولد»^۱ را رفتاری عامدانه می‌دانند که هنجارهای یک نظام را در هم می‌شکند و سلامت نظام، اعضای آن و یا هر دو را تهدید می‌کند. کرید و نیهورستر (۲۰۰۹) از پژوهشگران صاحب‌نام در حوزه رفتار غیرمولد تحصیلی با تکیه بر مدل شغلی رابینسون و بنت (۱۹۹۵)، طبقه‌بندی معناداری از این مفهوم در حوزه تحصیلی مطرح کردند: رفتارهایی که به دیگران لطمه وارد می‌سازد (رفتار غیرمولد تحصیلی دگر محور) و رفتارهایی که خود محصل را می‌آزارد (رفتار غیرمولد تحصیلی خودمحور). پس از آن ریمکوس (۲۰۱۲) اولین کسی بود که فارغ از بافت شغلی، رفتار غیرمولد را در قالب مقیاسی اختصاصی در بافت تحصیلی بررسی کرد و رفتار غیرمولد خودمحور و دگر محور را پیرامون سه طبقه کلی رفتار یعنی «درست کاری»، «کج رفتاری» و «کوشش برای پیشرفت»، تشریح کرد. تا قبل از ریمکوس (۲۰۱۲) از مقیاس‌های رفتار غیرمولد شغلی برای ارزیابی رفتار غیرمولد تحصیلی اقتباس می‌شد. وی ۱۰ جنبه از رفتار غیرمولد تحصیلی را مطرح کرد که توسط ادبیات نظری پیشین حمایت می‌شود: «تقلب»، «مصرف مواد»، «دروغ»، «سرقت ادبی»، «رفتار تبعیض آمیز»، «غیبت»، «حضور غیرفعال»، «همال کاری»، «رخوت» (سستی) و فشار

بر همسالان.

به‌واقع، رفتار غیرمولد تحصیلی نقطه مقابل «رفتارهای شهروندی در دانشگاه» است. درحالی‌که رفتار شهروندی اعمالی چون کمک به همکلاسی برای فهم درس، پذیرش شرایط نامساعد تحصیلی و شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه تحصیلی را در برمی‌گیرد و از طریق افزایش احتمال دریافت کمک و بازخورد مثبت سبب موفقیت تحصیلی فراگیر می‌شود، همچنین مشارکت وی را با همکلاسی‌ها و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه بالا می‌برد (شوآگر و همکاران، ۲۰۱۴)، رفتار غیرمولد تحصیلی، مستقیماً مانع موفقیت تحصیلی می‌شود به‌این‌علت که این رفتار شامل کنش‌هایی از قبیل غیبت از جلسات، تقلب، سرقت ادبی، عدم رعایت صداقت تحصیلی، اهمال‌کاری، تبعیض در تعاملات میان فردی است که به فرآیند یادگیری آسیب می‌رساند (کرید و نیهورستر، ۲۰۰۹). بر این اساس شناسایی پیشایندهای چنین متغیر جامعی، مسیر پیش‌بینی و کنترل بسیاری از آسیب‌های تحصیلی در فرزندان را هموار می‌نماید.

چونینگ و کمبل (۲۰۰۹) یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده سوء رفتارهای تحصیلی را «محق‌پنداری تحصیلی» می‌دانند. آنان این سازه را انتظار موفقیت تحصیلی بدون قبول مسئولیت در قبال دستیابی به آن تعریف کرده‌اند. از سال ۲۰۰۲ نسلی پا به عرصه دانشگاه گذاشت که مطالعه «محق‌پنداری تحصیلی» را برای پژوهشگران نه‌فقط به یک علاقه بلکه به یک اولویت تبدیل کرد (رینهارت، ۲۰۱۲). این دانشجویان داشتن حق انتخاب، مهار و دستیابی به رضایت فوری را در محیط آموزشی، صرف‌نظر از میزان تلاش، امری معمول می‌شمردند (کیانی، سامرز و ایستر، ۲۰۰۸). بحث‌های فراوانی پیرامون نحوه جذب دانشجویان توسط دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده محق‌پنداری صورت گرفته است (رینهارت، ۲۰۱۲). جذب و حفظ دانشجویان، اولویتی رو به گسترش برای مؤسسات آموزش عالی در دنیای امروز شده است (مارینگ، ۲۰۰۶) و با افزایش پیوسته شهریه‌ها مسئله مهم برای دانشگاه‌ها راضی نگه‌داشتن دانشجویان تا حد ممکن است (رینهارت، ۲۰۱۲). بی‌شک این شرایطی نیست که تنها دنیای غرب را نگران ساخته باشد، سیر نزولی تعداد دانشجویان در سال‌های اخیر و خالی ماندن صندلی‌های بسیاری از دانشگاه‌ها در کشور، فاجعه محق‌پنداری را در دانشجویان به اوج خود رسانده است.

«محقق‌پنداری» به‌عنوان یک سازه روانشناختی اولین بار در نوشته‌های فروید پیرامون «خودشیفتگی»^۳ پدیدار شد (آکاکوسو، ۲۰۰۲). اما دایوفسکی (۱۹۸۶) اولین کسی بود که مفهوم محق‌پنداری را در بافت تحصیلی مطرح کرد. وی متوجه پنج انتظار عمومی در دانشجویان شد که بر محق‌پنداری دلالت داشت، از جمله این که دانش حقی است که باید با صرف حداقل تلاش و مسئولیت‌پذیری به دست آید. پس از دایوفسکی برای حدود دو دهه مطالعه این سازه با غفلت مواجه شد اما پس از این وقفه ۲۰ ساله، اشتیاق عظیمی جامعه علمی را در برگرفت تا این بار عمیقتر به بررسی آن پردازد. هم‌اکنون علیرغم تنوع وسیع تعاریف در این حوزه، پژوهشگران عموماً بر سر این موضوع توافق دارند که محق‌پنداری تحصیلی شامل انتظار بالا برای کسب نتایج مطلوب تحصیلی، توقع از اساتید برای تطبیق دادن خود با دانشجو و امتیاز دادن به آنها و همچنین شامل کاهش احساس مسئولیت‌پذیری شخصی و تلاش فردی برای به دست آوردن نتایج و امتیازها است (آکاکوسو، ۲۰۰۲؛ گرینبرگر، لزارد، چن و فاروگیا، ۲۰۰۸؛ چونینگ و کمبل، ۲۰۰۹ و کوپ، زین، فینی و جوریچ، ۲۰۱۱).

در شرایطی که فرد با بیرونی‌سازی مسئولیت‌ها و مقصر دانستن مجموعه آموزشی و دانشگاه، از قبول وظایف تحصیلی خودش باز می‌زند، به‌احتمال زیاد در فعالیت‌هایی درگیر می‌شود که کوچک‌ترین نگرانی در ارتباط با تأثیر این رفتارها بر خود و دیگران ندارد، به «بی‌صدافتگی تحصیلی»^۴ متمایل می‌شود (گرینبرگر و همکاران، ۲۰۰۸) و دائماً به رفتار غیرمولد (تیلور، بیلی و باربر، ۲۰۱۵) و بیادبی تحصیلی یا «رفتارهای غیر متمندانانه» (چونینگ و کمبل، ۲۰۰۹) دست می‌زند.

افرادی که در میان سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۵ در ایالات متحده متولد شدند، به‌عنوان نسلی که بیشترین میزان محافظت و کنترل را دریافت کرده‌اند، معرفی شده‌اند. آن‌ها در خانه‌های شدیداً «محافظت‌شده برای فرزندان»^۵ زندگی می‌کردند و در فعالیت‌های کاملاً ساختاریافته شرکت می‌جستند (هو و اشتراوس، ۲۰۰۰؛ اشتراوس، ۲۰۰۶). برخی بر این باورند که با بزرگ‌تر شدن این کودکان، والدین آنها به فناوری‌های جدیدی دسترسی پیدا کردند که به آنها امکان می‌داد زندگی فرزندان خود را احاطه کنند. درحالی که کودکان نسل‌های قبل، به‌دوراز کنترل والدین، روزهایشان را به‌دلخواه سپری می‌کردند و با دوستان خود بیرون از خانه وقت می‌گذراندند، امروزه والدین از تلفن‌های همراه (که اصطلاحاً «بند ناف الکترونیکی»

خواننده می‌شوند)، پست الکترونیکی، پیامک و شبکه‌های جمعی استفاده می‌کنند تا دائماً فرزندان خود را کنترل کنند (کانترویز و تایر، ۲۰۰۶؛ رندل، ۲۰۰۷؛ شویتزر، ۲۰۰۵). در این میان، پدیده بیش‌درگیری والدین تنها دغدغه دنیای غرب نیست، به‌طوری‌که کان، یو و بینگهام (۲۰۱۵) با معرفی «بیش‌فرزندپروری»^۶ به‌عنوان نگرانی دهه اخیر، تأثیرات این شیوه فرزندپروری را در بافت شرقی (کره جنوبی) مورد بررسی قرار داده‌اند.

پادایلا-واکر و نلسون (۲۰۱۲) بر این باورند که «فرزندپروری بالگردمآب» یا بیش‌درگیر، الگوی بی‌همتایی از ابعاد اساسی فرزندپروری است. این سبک فرزندپروری به‌طور خاص، دربرگیرنده حمایت/گرمی بالا، کنترل بالا و استقلال دهی پایین است. بر این اساس، بیش‌درگیری والدین شامل همان ابعاد اصلی فرزندپروری (برای مثال، پاسخگویی/درگیری، کنترل و استقلال دهی) است اما در چگونگی اولویت‌بندی ابعاد بی‌همتا است، به‌طوری‌که تأکید اصلی را بر کنترل و پاسخگویی بالا و استقلال دهی پایین قرار داده است. تفاوت «فرزندپروری بالگردمآب» با سایر اشکال فرزندپروری در این است که شکل خالصی از کنترل روانشناختی نیست و منعکس‌کننده برخی از جنبه‌های کنترل رفتاری به همراه سطح بالای صمیمیت و حمایت و همچنین محدودسازی شدید استقلال فرزند است که ابداً با سن او همخوان نیست (پادایلا-واکر و نلسون، ۲۰۱۲). در اینجا ارتباط بیش‌درگیری والدین با رفتارهای غیرمولد تحصیلی روشن می‌شود. بیش‌درگیری والدین به‌واسطه تضعیف منبع کنترل درونی، انتظارات محق‌پندارانه تحصیلی را موجب شود و سوء رفتارهای تحصیلی چون رفتار غیرمولد را پیش‌بینی نماید. یافته‌های پژوهشی در ارتباط با موضوع پژوهش را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد.

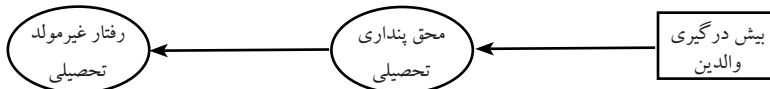
گروه اول دربرگیرنده پژوهش‌هایی است که پیشایندهای والدینی مؤثر بر محق‌پنداری تحصیلی را بررسی کرده‌اند. برای مثال گرینبرگر و همکاران (۲۰۰۸) نقش شخصیت، فرزندپروری و عوامل انگیزشی را بر خودمحق‌پنداری دانشجویان بررسی کردند و نشان دادند که افرادی که محق‌پنداری بالا نشان می‌دهند، انگیزه بیرونی برای تحصیل داشته و فشار بالایی از جانب والدین برای کسب نمره احساس می‌کنند. تجلی و اردلان (۱۳۸۹) نیز دریافتند که الگوهای ارتباطی خانواده با سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان در ارتباط است. یافته‌های مشابهی توسط آزه‌ای، غلام‌علی لواسانی، مال احمدی و خضری‌آذر (۱۳۹۰) گزارش شده است.

گروه دوم شامل پژوهش‌هایی است که پیامدهای محق‌پنداری تحصیلی را بر رفتار غیرمولد تحصیلی بررسی کرده‌اند. تیلور و همکاران (۲۰۱۵) با بررسی رابطه محق‌پنداری تحصیلی و رفتار غیرمولد در تحقیق دریافتند که محق‌پنداری تحصیلی (به‌خصوص بعد مسئولیت بیرونی شده)، غیبت موجه ($\beta=0/20$) و غیرموجه ($\beta=0/16$) هنگام مطالعه، پاسخگویی غیردقیق به سؤالات پژوهش ($\beta=0/30$) و پاسخگویی نادقیق به تکلیف ($\beta=0/33$) را در دانشجویان دوره کارشناسی به‌صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این کاپ و فینی (۲۰۱۳) نشان دادند که محق‌پنداری تحصیلی در دانشجویان «مطیع» پایینتر از دانشجویان «غیر مطیع» است.

گروه سوم دربردارنده پژوهش‌هایی است که به بررسی اثر واسطه‌گری محق‌پنداری تحصیلی میان متغیرهای والدینی و رفتاری پرداخته‌اند. وارن (۲۰۱۳) در قالب الگوی معادلات ساختاری و با تکیه بر مبانی نظری مستدل، پیشایندها (همچون بیش‌درگیری والدین) و پیامدهایی (همچون باورهای سیاست تحصیلی، رفتار در کلاس و انتظارات تحصیلی) را برای محق‌پنداری تحصیلی در نظر گرفت. نتایج این مدل وجود روابط چندگانه میان متغیرها را تأیید کرد، بیش‌درگیری والدین، پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار محق‌پنداری تحصیلی بود. علاوه بر این، محق‌پنداری تحصیلی نیز پیش‌بین قدرتمندی برای باور دانشجویان به تغییر سیاست‌های تحصیلی محسوب شد (باورهای سیاست تحصیلی). ضمناً کلیه متغیرهایی که پیش‌بینی‌کننده محق‌پنداری تحصیلی بودند با باورهای سیاست تحصیلی رابطه غیرمستقیم معنادار داشتند و به‌واسطه محق‌پنداری تحصیلی این سازه را پیش‌بینی می‌کردند. بارتون و میرچ (۲۰۱۶) نیز نقش واسطه‌گری محق‌پنداری تحصیلی را در رابطه فرزندپروری آسان‌گیر و سلامت روان دانشجویان کالج بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که این سبک فرزندپروری به‌صورت منفی و معنادار بر ابعاد سلامت روان دانشجویان همچون خودمختاری، «تسلط محیطی»، «تحول شخصی»، «ارتباط مثبت با دیگران»، «هدفمندی و پذیرش خود» تأثیر غیرمستقیم دارد.

لازم به ذکر است که پژوهش‌های گذشته اغلب هر یک از این سوء رفتارها را به‌تنهایی بررسی کرده‌اند و پژوهش‌هایی که تمامی این ابعاد را در قالب یک متغیر و به‌صورت یکپارچه بررسی کنند، بسیار اندک هستند. علاوه بر این هیچ پژوهشی یافت نشد که به‌طور

خاص رفتار غیرمولد تحصیلی را در قالب مدل و با حضور متغیرهای واسطه‌ای بررسی کند. مرور پیشینه در این قلمرو نیز حاکی از آن است که روابط احتمالی موجود در حد روابط همبستگی مدنظر قرار گرفته‌اند و پژوهش‌های اندکی سعی بر آن داشته‌اند تا قدرت پیش‌بینی‌کنندگی متغیری را در مورد انواع رفتار غیرمولد به آزمون گذارد و به بررسی نحوه تأثیر آن بر این رفتارها بپردازد. با توجه به چارچوب مفهومی و الگوهای نظری مورد اتکا در پژوهش حاضر در باب بیش‌درگیری والدین (پادیللا-واکر و نلسون، ۲۰۱۲)، رفتار غیرمولد تحصیلی (ریمکوس، ۲۰۱۲)، و محق‌پنداری تحصیلی (چونینگ و کمبل، ۲۰۰۹) و بازبینی پیشینه مطالعاتی به‌ویژه مدل وارن (۲۰۱۳) و مدل بارتون و هیبرج (۲۰۱۶) مدل پیشنهادی پژوهش حاضر به شکل زیر است.



شکل ۱. مدل پیشنهادی رفتار غیرمولد تحصیلی

● روش

این پژوهش از نوع همبستگی بود و در آن روابط بین متغیر پیش‌بین (بیش‌درگیری والدین)، متغیر واسطه‌ای مکنون (محق‌پنداری تحصیلی) و متغیر ملاک مکنون (رفتار غیرمولد تحصیلی) در قالب الگوی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. «جامعه آماری» این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه شیراز بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند. بنابراین مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر ۴۵۱ نفر از دانشجویان پسر و دختر دانشگاه شیراز بودند که به شیوه نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشکده‌های مختلف این دانشگاه انتخاب شدند. معیارهای ورود به نمونه، قرار گرفتن دانشجویان در رده سنی ۱۸ تا ۲۲ سال و تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه بود.

● ابزار

□ الف: مقیاس بیش‌درگیری والدینی یا فرزندپروری بالگرد مآب^۷ که توسط لیمون و بوچانان (۲۰۱۱) ساخته شده و دارای ۱۰ ماده می‌باشد و برای ارزیابی باورهای شرکت‌کنندگان در مورد چگونگی درگیری والدین در زندگی‌شان، تدوین شده است. لیمون و بوچانان (۲۰۱۱) اعتبار این ابزار را در سطح قابل قبولی گزارش کردند ($\alpha=0/71$). وارن

(۲۰۱۳) نیز اعتبار قابل قبولی برای این ابزار گزارش داد ($\alpha=0/72$). روایی این ابزار به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی توسط لیمون و بوچانان (۲۰۱۱) مورد بررسی قرار گرفت که روایی قابل قبولی را به دست داد. شاخص‌های نیکویی برازش مدل شامل مجذور کای (χ^2)، نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df)، ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، شاخص برازش هنجار شده، شاخص برازش تطبیقی، شاخص برازش افزایشی و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده، به ترتیب برابر ۷۲/۸۱۳، ۲/۸۰، ۰/۰۶، ۰/۹۲، ۰/۹۵، ۰/۹۵ و ۰/۹۵ به دست آمد. بنابراین می‌توان گفت که مدل مذکور با داده‌ها برازش مطلوبی دارد. جهت تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب ۰/۷۵ به دست آمد.

□ ب: مقیاس محقق‌پنداری تحصیلی^۱: چونینگ و کمبل (۲۰۰۹) یک مقیاس ۱۵ ماده‌ای برای ارزیابی انتظار غیر معقول افراد برای موفقیت بدون توجه به تلاش خود، طراحی نمودند. این مقیاس دارای دو بعد «مسئولیت بیرونی شده» (۱۰ گویه) و «حق به جانبی» (۵ ماده) است. بعد اول بر مسئولیت دانشجو و استاد تمرکز یافته است. این مقیاس دارای درجه بندی لیکرتی ۵ درجه‌ای است. در پژوهش حاضر برای تعیین روایی ابزار از روش تحلیل عامل تأییدی از طریق تحلیل ساختارهای گشتاوری (AMOS) نسخه ۲۱، استفاده شد. شاخص‌های نیکویی برازش مدل شامل مجذور کای (χ^2)، نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df)، ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، شاخص برازش تطبیقی و شاخص برازش افزایشی، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده، به ترتیب برابر ۱۸۲/۰۴، ۲/۰۷، ۰/۰۴، ۰/۹۲، ۰/۹۵ و ۰/۹۳ به دست آمد. برای تعیین اعتبار مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضریب به ترتیب برای عامل «مسئولیت بیرونی شده» و «حق به جانبی»، مقادیر ۰/۷۲ و ۰/۶۹ به دست آمد.

□ ج: مقیاس رفتار غیرمولد تحصیلی^۱: این مقیاس شامل ۵۸ ماده و ۸ بعد، توسط ریمکوس (۲۰۱۲) به منظور بررسی رفتار غیرمولد تحصیلی طراحی شده است. این ابزار طبقه‌های رفتاری مختلف است. از شرکت کنندگان خواسته می‌شود که فراوانی درگیر شدن در هر فعالیت را از «هرگز» تا «هر روز» مطابق طیف لیکرتی ۵ تایی طبقه بندی کنند. در پژوهش حاضر، برای تعیین روایی این ابزار از روش تحلیل ماده استفاده شد که ضریب همبستگی هر ماده با خرده مقیاس خود از حداقل ۰/۴۰ تا حداکثر ۰/۹۱ متغیر بود. برای تعیین اعتبار

مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضریب به ترتیب برای عامل اهمال کاری، تقلب، وظیفه مداری، رخوت، غیبت، رفتار انحرافی و مصرف مواد و الکل، مقادیر ۰/۸۶، ۰/۸۷، ۰/۷۴، ۰/۸۸، ۰/۷۹، ۰/۷۸ و ۰/۹۲ به دست آمد. ابزارها به صورت گروهی در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. نحوه پاسخگویی به سؤالات مقیاس ها برای شرکت کنندگان توضیح داده شد و بر لزوم همکاری صادقانه آنان و پاسخگویی به تمامی سؤالات تأکید شد.

● یافته ها

برای آزمون مدل پیشنهادی، پس از بررسی مفروضه های مدل یابی معادلات ساختاری همچون استقلال خطاها و نرمال بودن چندمتغیری، آزمون مدل اجرا شد. در جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی مؤلفه های مدل پیشنهادی گزارش شده است.

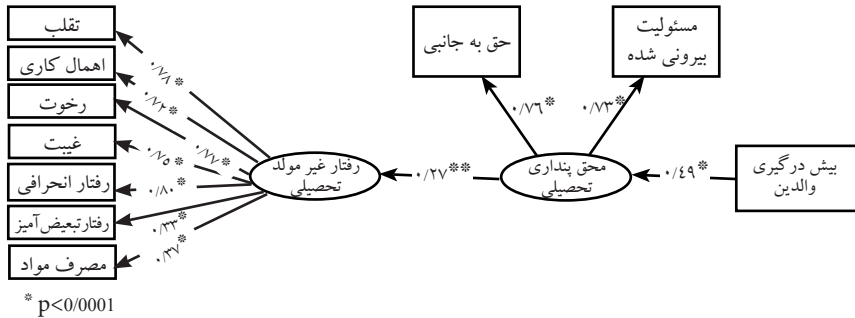
جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی مؤلفه های مدل پیشنهادی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. بیش درگیری والدین	۲۶/۹۹	۶/۰۷	-								
۲. مسئولیت بیرونی شده	۲۳/۲۵	۵/۵۸	۰/۳۲**	-							
۳. حق به جانبی	۱۵/۱۰	۳/۷۲	۰/۴۳**	۰/۵۵**	-						
۴. غیبت	۲۰/۴۶	۹/۸۶	۰/۰۸	۰/۳۰**	۰/۱۷**	-					
۵. اهمال کاری	۲۶/۳۵	۹/۰۲	-۰/۱۰*	۰/۱۵**	۰/۰۱	۰/۵۵**	-				
۶. رفتار تبعیض آمیز	۳/۴۲	۱/۵۱	۰/۰۳	۰/۱۲**	۰/۰۷	۰/۲۱**	۰/۱۵**	-			
۷. رخوت	۱۰/۳۷	۴/۷۳	۰/۰۵	۰/۳۰**	۰/۰۷	۰/۵۸**	۰/۵۹**	۰/۲۴**	-		
۸. تقلب	۲۶/۳۳	۱۰/۶۶	۰/۰۹	۰/۲۶**	۰/۱۶**	۰/۵۹**	۰/۵۶**	۰/۱۷**	۰/۵۴**	-	
۹. رفتار انحرافی	۱۴/۱۴	۵/۶۸	۰/۱۰*	۰/۲۹**	۰/۱۳**	۰/۵۸**	۰/۴۱**	۰/۳۶**	۰/۵۹**	۰/۶۲**	-
۱۰. مصرف الکل و مواد	۹/۵۴	۲/۸۳	-۰/۰۳	۰/۱۱*	۰/۰۱	۰/۱۸**	۰/۱۰*	۰/۵۴**	۰/۲۳**	۰/۱۲**	۰/۳۸**

* p<0/05 ** p<0/01

برای بررسی نقش بیش‌درگیری والدین بر رفتار غیرمولد تحصیلی از طریق متغیر واسطه محق‌پنداری تحصیلی، از آزمون معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است. با استفاده از شاخص های نیکویی برازش شامل نسبت مجذور خی به درجه آزادی (۳/۷۹)، ریشه دوم واریانس خطای تقریب (۰/۰۷)، شاخص برازندگی هنجار شده (۰/۹۴)، شاخص برازندگی تطبیقی (۰/۹۵)، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (۰/۹۶) و شاخص برازندگی افزایشی (۰/۹۵) مدل تأیید شد. مدل ساختاری آزمون و مدل های اندازه گیری پژوهش در شکل ۲ آمده است. ضرایب مسیر در

این شکل، حاکی از معنادار بودن مسیرهای مستقیم مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری است که نشانه معرف بودن همه زیر مقیاس‌ها برای متغیر مربوطه است.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش

در جدول ۲ ضرایب مسیر مدلهای اندازه‌گیری به همراه مقادیر t درج شده است. اعداد داخل پرانتز مقادیر آزمون t است. S ، مقیاس است که در آن، آزمون t محاسبه نشده است. معمولاً در الگوی معادلات ساختاری یکی از نشانگرها به عنوان مقیاس انتخاب می‌شود.

جدول ۲. ضرایب رگرسیون مدل‌های اندازه‌گیری

متغیرهای مشاهده شده	رفتار غیرمولد تحصیلی	محق‌پنداری تحصیلی
مصرف مواد	۰/۳۷ (S)	
اهمال کاری	۰/۷۲ (۶/۷۰)	
رخوت	۰/۷۷ (۷/۰۷)	
غیبت	۰/۷۵ (۶/۸۷)	
رفتار انحرافی	۰/۸۰ (۷/۰۹)	
رفتار تبعیض آمیز	۰/۳۳ (۶/۷۷)	
تقلب	۰/۷۸ (۶/۶۸)	
مسئولیت بیرونی شده		۰/۷۳ (S)
حق به جانی		۰/۷۶ (۸/۸۸)

روابط ساختاری متغیرهای موجود در مدل که شامل اثرات مستقیم متغیرهاست در جدول ۳ منعکس شده است. با توجه به اطلاعات مندرج در مدل آزمون شده و جدول ۳، فرضیه‌های پژوهش تأیید شد.

جدول ۳. اثرات مستقیم متغیرهای موجود در مدل

روابط متغیرها در مدل	مقدار برآورد	مقدار استاندارد شده	خطای استاندارد	مقدار T	سطح معناداری
بیش‌درگیری والدین بر محق‌پنداری تحصیلی	۰/۳۴	۰/۴۹	۰/۰۴	۸/۴۰	۰/۰۰۱
محق‌پنداری تحصیلی بر رفتار غیرمولد تحصیلی	۰/۰۷	۰/۲۷	۰/۰۲	۳/۹۸	۰/۰۰۱

برای برآورد و تعیین معناداری مسیر غیرمستقیم از دستور بوت استرپ استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ گزارش شده است. همان‌گونه که در این جدول گزارش شده است مسیر غیرمستقیم مدل معنادار است و این حاکی از معناداری نقش واسطه‌ای محق‌پنداری تحصیلی در ارتباط بین بیش‌درگیری والدین با رفتار غیرمولد تحصیلی دارد.

جدول ۴. برآورد مسیر غیرمستقیم مدل با استفاده از بوت استرپ

معناداری	حد بالا	حد پایین	مقدار	مسیر غیرمستقیم
۰/۰۰۱	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۱۴	بیش‌درگیری والدین به رفتار غیرمولد تحصیلی با واسطه محق‌پنداری تحصیلی

● بحث و نتیجه‌گیری

○ هدف از انجام این مطالعه «تعیین رابطه ساختاری بین بیش‌درگیری والدین و رفتار غیرمولد تحصیلی فرزندان، با واسطه محق‌پنداری تحصیلی» بود. نتایج تحلیل مدل معادلات ساختاری در قالب روابط موجود در مدل در ادامه بیان می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد بیش‌درگیری والدین پیش‌بین مثبت و معنادار محق‌پنداری تحصیلی است. *پادیل* - *واکر* و *نلسون* (۲۰۱۲)، با عنوان بیش‌درگیری والدین، الگویی آسیب‌رسان از تعامل والد و فرزند را تشریح می‌کنند که با وجود حمایت والدینی بالا همچون پذیرش، مهربانی، درگیری و مهرورزی، شامل کنترل رفتاری بالا (درزمینه نظارت بر موقعیت‌ها و تعیین مسئولیت‌ها) و استقلال‌دهی هیجانی پایین به فرزندان است. این سبک رفتاری - عاطفی در ارتباط با فرزند، خوداتکایی هیجانی و روانی را در فرد مانع می‌شود و ادراک کنترل را در موقعیت‌های شخصی و بین‌فردی پایین می‌آورد. به سخن دیگر کنترل مفرط والدین بر فرزندان، خود پیروی آنها را سرکوب کرده و آنان را همواره چشم‌انتظار منابع بیرونی برای تغییر شرایط و کنترل چالش‌های غیرقابل‌پیش‌بینی می‌گرداند.

○ به سخن دیگر با افزایش سطح رفتارهای بیش‌محافظتی در والدین، سطح بیشتری از محق‌پنداری تحصیلی در فرزندان انتظار می‌رود. از نظر *دسی* و *ریان* (۲۰۰۰)، بهزیستی و انتظارات بهنجار در موقعیتی شکل خواهد یافت که نیاز به شایستگی، پیوند جویی و استقلال تحت محیط خود پیرو (به‌جای بیش‌درگیری والدین) ارضا شده و متعاقب آن فرد در حل و فصل چالش‌ها ادراک کنترل و تسلط داشته باشد. اینجاست که کنترل و انگیزه درونی

شخص، حق به جانب بودن را نسبت به محیط آموزشی تقلیل می‌دهد و به فرد قدرت اتکا به منابع درونی را به جای تمنای تغییر شرایط و انتظارات نامعقول می‌بخشد. این یافته همسو با پژوهش گرینبرگر و همکاران (۲۰۰۸) است.

○ نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که «محق پنداری تحصیلی» پیش بینی کننده مثبت و معنادار رفتار غیرمولد تحصیلی فرزندان است. این یافته همسو با پژوهش تیلور و همکاران (۲۰۱۵)، ملور (۲۰۱۱)، چونینگ و کمبل (۲۰۰۹) است. محق پنداران افرادی هستند که خود را برای دریافت نتیجه مطلوب صرف نظر از میزان تلاش خود برای رسیدن به آن، محق می‌دانند و همواره شخصیتی حق به جانب را در ارتباط با محیط آموزشی و اساتید نشان می‌دهند.

○ با توجه به نتایج تحلیل مسیر غیرمستقیم، رابطه بیش‌درگیری والدین به واسطه محق پنداری تحصیلی با رفتار غیرمولد تحصیلی معنادار بود. مدل وارن (۲۰۱۳) و مدل بارتون و هیرچ (۲۰۱۶) نیز همسو با این یافته محق پنداری تحصیلی را واسطه‌ای میان بیش‌درگیری والدین و رفتار غیرمولد تحصیلی فرزندان می‌دانند. زمانی که فرد در یک محیط بیش کنترل پرورش می‌یابد و مدام تحت فشار تصمیم‌گیری از جانب دیگران است، برای حل و فصل چالش‌ها ادراک مهار درونی نداشته و علت شکست‌های تحصیلی را در بیرون جست‌وجو می‌کند و دانشگاه، استادان و محیط آموزشی را مسبب پیامدهای تحصیلی می‌داند، به همین خاطر مسیر مقابله‌ای را جهت متمایل شدن به سوء رفتارهای تحصیلی، پی می‌گیرد.

○ سو، دوئر، جانسون، شیو و اسپینات (۲۰۱۵) علل اثر منفی کنترل والدینی بر پیشرفت آموزشی فرزندان را طبقه‌بندی کرده‌اند. آنها تأکید دارند که کنترل والدینی به واسطه تأثیر مخرب بر تحول روانشناختی فرزندان، احساس خودمختاری (باربر، استالز، اولسن، کولینز و بورچینال، ۲۰۰۵؛ فی - بین انجی، کنی - بنسون و پومرانز، ۲۰۰۴)، انگیزه مطالعه (بون، ۲۰۰۷) و راهبردهای پیشرفت (آنولا، استاتین و نورمی، ۲۰۰۰) را در فرزندان سرکوب می‌کند. باور آنها بر این است که کنترل آزاردهنده والدین، فرزندان را از تجربه حل چالش‌ها به وسیله خودشان باز می‌دارد و احساس مثبت ابتکار عمل، خودمختاری و علاقه درونی را سلب می‌کند (فی - بین انجی، کنی - بنسون و پومرانز، ۲۰۰۴). ادعای سو و همکاران (۲۰۱۵) تلویحاتی برای تبیین رابطه بیش‌درگیری والدین و رفتار غیرمولد تحصیلی دارد. به این معنا که بیش‌کنترلی والدین با تأثیر بر احساس خودمختاری و کنترل ادراک‌شده، محق

پنداری را در محصلین تقویت می‌کند، به طوری که برای تعیین نتیجه به جای تکیه بر منابع درونی همواره در انتظار تغییر شرایط هستند و مسئولیت شکست‌ها را بیرونی می‌کنند.



یادداشت‌ها

1. counterproductive behavior
2. academic honesty
3. narcissism
4. academic dishonesty
5. child-proofed homes
6. over parenting
7. Parental Over-Involvement/Helicopter Parenting Scale (HPS)
8. Academic Entitlement Scale
9. Counterproductive Student Behavior Scale (CSBS)

● منابع

اژه ای، جواد؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ مال احمدی، احسان؛ خضری آذر، هیمن. (۱۳۹۰). الگوی علی روابط بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی.

مجله روانشناسی، ۵۹ (۳)، ۲۸۴-۳۰۱.

تجلی، فاطمه؛ اردلان، الهام. (۱۳۸۹). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی و سازگاری

تحصیلی. مجله روانشناسی، ۵۳ (۱)، ۶۲-۷۸.

Achacoso, M.V. (2002). "What do you mean my grade is not an A?": An investigation of academic entitlement, causal attributions, and self-regulation in college students. (Unpublished doctoral dissertation). University of Texas, Austin.

Aunola, K., Stattin, H., & Nurmi, J. E. (2000). Parenting styles and adolescents achievement strategies. *Journal of Adolescence*, 23, 205-222.

Barber, B. K., Stolz, H. E., Olsen, J. A., Collins, W. A., & Burchinal, M. (2005). Parental support, psychological control, and behavioral control: Assessing relevance across time, culture, and method. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 70, i-147.

Barton, A. L., & Hirsch, J. K. (2016). Permissive parenting and mental health in college students: Mediating effects of academic entitlement. *Journal of American College Health*, 64(1), 1-8, DOI: 10.1080/07448481.2015.1060597.

Boon, H.J. (2007). Low- and high-achieving Australian secondary school students: Their parenting, motivations and academic achievement. *Australian Psychologist*, 42, 212-225. <http://dx.doi.org/10.1080/00050060701405584>.

Chowning, K., & Campbell, N. J. (2009). Development and validation of a measure of academic entitlement: Individual differences in students' externalized responsibility and entitled expectations. *Journal of Educational Psychology*, 101, 982-997.

- Ciani, K. D., Summers, J. J., & Easter, M. A. (2008). Gender differences in academic entitlement among college students. *The Journal of Genetic Psychology, 169*(4), 332-344.
- Crede, M., & Niehorster, S. (2009). Individual difference influences on self-focused and other-focused counterproductive student behaviors. *Personality and Individual Differences, 47*, 769-776.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry, 11*, 227-268.
- Dubovsky, S. L. (1986). Coping with entitlement in medical education. *The New England Journal of Medicine, 315*, 1672-1674.
- Fei-Yin Ng, F., Kenney-Benson, G.A., & Pomerantz, E.M. (2004). Children’s achievement moderates the effects of mothers’ use of control and autonomy support. *Child Development, 75*, 764–780. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-8624.2004.00705.x>.
- Greenberger, E., Lessard, J., Chen, C., & Farruggia, S. P. (2008). Self-entitled college students: Contributions of personality, parenting, and motivational factors. *Journal of Youth and Adolescence, 37*, 1193-1204.
- Howe, N. & Strauss, W. (2000). *Millennials rising: The next great generation*. New York: Vintage Books.
- Kantrowitz, B., & Tyre, P. (2006). “*The fine art of letting go: As parents, boomers face their final frontier: How to stand aside as their children become independent adults: Where’s the line between caring and coddling?*” *Newsweek Magazine Retrieved May22, 2009* from <http://www.newsweek.com/od/47719>.
- Kopp, J. P., Zinn, T. E., Finney, S. J., Jurich, D. P. (2011). The development and evaluation of the Academic Entitlement Questionnaire. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development, 44*, 105-129.
- Kopp, J. P., & Finney, S. J. (2013). Student incivility using latent means modeling. *The Journal of Experimental Education, 81*(3), 322-336.
- Kwon, K. A., Yoo, G., & Bingham, G. E. (2015). Helicopter parenting in emerging adulthood: Support or barrier for Korean college students’ psychological adjustment?. *Journal of Child and Family Studies, 5*, 1-10.
- Lievens, F., Buyse, T., & Sackett, P. R. (2005). The operational validity of a video-based situational judgment test for medical college admissions: Illustrating the importance of matching predictor and criterion construct domains. *Journal of Applied Psychology, 90*, 452–442 . <http://dx.doi.org/10.1037/0021-9010.90.3.442>.
- Maringe, F. (2006). University and course choice implications for positioning, recruitment and marketing. *International Journal of Educational Management, 20*(6), 466-479.

- Meriac, J. P. (2012). Work ethic and academic performance: Predicting citizenship and counterproductive behavior. *Learning and Individual Differences*, 22, 549–553. <http://dx.doi.org/10.1016/j.lindif.2012.03.015>.
- Padilla-Walker, L. M., & Nelson, L. J. (2012). Black hawk down?: Establishing helicopter parenting as a distinct construct from other forms of parental control during emerging adulthood. *Journal of Adolescence*, 35, 1177-1190.
- Randall, K. (2007). “*Mom needs an ‘A’: Hovering, hyper-involved parents the topic of landmark study.*” University of Texas Feature Story. Retrieved November 23, 2009 from <http://www.utexas.edu/features/s007/helicopter>.
- Reinhardt, J. (2012). *Conceptualizing academic entitlement: What are we measuring?*. Unpublished Masters Thesis, University of Windsor.
- Rimkus, L. K. (2012). *A new measure of counterproductive student behavior*. M. A. Thesis. The Faculty of the Department of Psychology East Carolina University.
- Robinson, S. L., & Bennett, R. J. (1995). A typology of deviant workplace behaviors: A multidimensional scaling study. *Academy of Management Journal*, 38(2), 555-572.
- Rotundo, M., & Sackett, P. R. (2002). The relative importance of task, citizenship, and counterproductive performance for supervisor ratings of overall performance: A policy capturing study. *Journal of Applied Psychology*, 87, 66–80. <http://dx.doi.org/10.1177/014920639402000307>.
- Schmitt, N., Oswald, F. L., Friede, A., Imus, A., & Merritt, S. (2008). Perceived fit with an academic environment: Attitudinal and behavioral outcomes. *Journal of Vocational Behavior*, 72, 317–335. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jvb.2007.10.007>.
- Schwager, I. T. L., Hülshager, U. R., Lang, J. W. B., Klieger, D. M., Bridgeman, B., & Wendler, C. (2014). Supervisor ratings of students’ academic potential as predictors of citizenship and counterproductive behavior. *Learning and Individual Differences*, 35, 62-69.
- Schweitzer, S. (2005). “*Case of the hovering parents: Universities laying ground rules to give freshmen more independence.*” The Boston Globe Retrieved August 20, 2009 from http://www.boston.com/news/education/higher/articles/2005/08/20/case_of_the_hovering_parents/.
- Sinha, R., Oswald, F., Imus, A., & Schmitt, N. (2011). Criterion-focused approach to reducing adverse impact in college admissions. *Applied Measurement in Education*, 24,161–137 . <http://dx.doi.org/10.1080/08957347.2011.554605>.
- Strauss, V. (2006). “*Putting parents in their place outside class.*” The Washington Post Retrieved March 21, 2009 from http://www.Washingtonpost.com/wpdn/content/article/2006/03/20/AR2006032001167_pf.html.

- Su, Y., Doerr, H. S., Johnson, W., Shi, J., & Spinath, F. M. (2015). The role of parental control in predicting school achievement independent of intelligence. *Learning and Individual Differences*, 37, 203-209.
- Taylor, J. M., Bailey, S. F., & Barber, L. K. (2015). Academic entitlement and counterproductive research behavior. *Personality and Individual Differences*, 85, 13-18.
- Viswesvaran, C., & Ones, D. S. (2000). Perspectives on models of job performance. *International Journal of Selection and Assessment*, 8, 216–226. <http://dx.doi.org/10.1111/1468-2389.00151>.
- Warren, S. T. (2013). *Inflated expectations: An investigation into college students' academic entitlement beliefs*. PhD Thesis, Faculty of Mississippi State University.
- Zettler, I. (2011). Self-control and academic performance: Two field studies on university citizenship behavior and counterproductive academic behavior. *Learning and Individual Differences*, 21, 119–123. <http://dx.doi.org/10.1016/j.lindif.2010.11.002>.

